شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

موشکی که جهان را به لرزه درآورد

کامران پورعباس

ابرموشک هایپرسونیک «فتاح» جدیدترین دستاورد راهبردی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ رونمایی شد. این موشک قادر است از تمامی سامانه‌های سپر موشکی عبور کند و این سامانه‌ها را منهدم کند. این نوع موشک جزو جدیدترین تسلیحات و تجهیزات هستند که امروزه توسط چند کشور معدود تولید می‌شود.

دقت اصابت فزاینده، سرعت بسیار بالا، قابلیت مانورپذیری فوق‌العاده، توان پنهان‌کاری و عبور از سامانه‌های راداری از ویژگی‌های بارز این موشک است.

این موشک با قابلیت‌های تاکتیکی، به دلیل برخورداری از پیشران سوخت جامد نازل متحرک مرحله دوم، قابلیت دستیابی به سرعت‌های بسیار بالا و همچنین انجام مانورهای مختلف در داخل و خارج از جو زمین به منظور غلبه بر انواع سامانه‌های دفاع هوایی دشمن را دارد.

برد موشک فتاح ۱۴۰۰ کیلومتر و سرعت آن پیش از اصابت به هدف ۱۳ تا ۱۵ ماخ است.

در ابتدا خوب است ببینیم که موشک هایپرسونیک چیست و آیا این نخستینِ دستاورد هایپرسونیک جمهوری اسلامی ایران است یا قبلاً هم سابقه داشته است؟

تعریف و انواع موشک هایپرسونیک

«تعریف این موشک‌های نسل جدید، بر مقایسه سرعت آنها استوار است. براساس تقسیم‌بندی‌ها موشک‌هایی با سرعت حدوداً ۱.۵ تا ۵ ماخ در محدوده سوپرسونیک یا زیرصوت قرار می‌گیرند. موشک‌هایی با سرعت ۵ تا ۱۰ ماخ در محدوده هایپرسونیک قرار دارند و موشک‌هایی که سرعت‌هایی بین ۱۰ تا ۲۵ ماخ دارند نیز در محدوده High-hypersonic قرار می‌گیرند. موج صوتی، با سرعتی بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر بر ساعت حرکت می‌کند؛ به طور مرسوم، به سرعت‌های بالاتر از یک ماخ مافوق صوت می‌گویند و در صورتی که موشک، سرعتی بیش از ۶ هزار کیلومتر در ساعت داشته باشد در دسته‌بندی هایپرسونیک قرار می‌گیرد.

در حال حاضر کلاهک برخی از موشک‌های بالستیک نیز سرعتی در حد هایپرسونیک دارند اما این سرعت را باید مربوط به کلاهک جدا شده از موشک دانست و نه خود آن. از سوی دیگر این سرعت مربوط به زمان ورود به جو است و در حین برخورد به دلیل اصطکاک با لایه‌های جو که در نزدیکی زمین غلیظ‌تر می‌شوند، کاهش می‌یابد. اما موشک‌های هایپرسونیک نه فقط در بخش کلاهک، بلکه خود دارای سرعتی در محدوده ۵ تا ۱۰ ماخ هستند. این موشک‌ها نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته موشک‌های کروز هایپرسونیک هستند که در نزدیکی سطح زمین پرواز می‌کنند و فاصله‌شان از سطح زمین بین چند صد متر تا چند ده متر نوسان می‌کند. دسته دوم اما حرکتی گلایدری دارند. در این حالت، معمولاً موشک هایپرسونیک به وسیله یک موشک بالستیک، تا ارتفاع چند ده کیلومتری زمین صعود کرده و سپس از آن جدا می شوند. در طول مسیر تا هدف، موشک حرکتی گلایدری و خزنده دارد و میان ارتفاع‌ها و جهات متفاوتی نوسان می کند تا به نقطه شیرجه نهایی برسد.» (به نقل از پایگاه بصیرت)

سوابق و پیشینه ایران در عرصه هایپرسونیک

اما کدام موشک‌های ایرانی کلاهک هایپرسونیک دارند؟ «برخی موشک‌های ایرانی مجهز به کلاهک‌های هایپرسونیک بوده و قطعاً، بررسی ویژگی‌ها و نحوه عملکردشان، تاثیر زیادی روی دستیابی به این محصول جدید داشته است. به عنوان مثال، در یکی از آخرین ارتقاهای صورت گرفته روی موشک‌های بالستیک ایرانی که دی‌ماه سال ۱۴۰۰، خبر آن منتشر شد، معلوم شد که یکی از ویژگی‌های مهم نسل جدید موشک قیام، سرعت بالای این موشک است. سرعت اعلام شده برای این موشک، مربوط به مرحله نهایی و برای سر جنگی جدا شده آن بوده و عدد اعلام شده، ۲۹۳۵ متر بر ثانیه یعنی حدود ۸.۵ ماخ می‌باشد. با این سرعت، سر جنگی موشک مورد نظر در زمان شیرجه نهایی در وضعیت پرواز با سرعت هایپرسونیک قرار می‌گیرد که دفاع در برابر آن را اگر نگوییم غیرممکن ولی برای هر مدافعی بسیار سخت و تقریباً محال است.

در عین حال، در بخشی از توضیحاتی که پیرامون موشک زهیر یا همان نسل جدید موشک رعد ۵۰۰ در سال گذشته بیان شده، با احتساب مقدار تحمل دما اعلام شده برای کلاهک موشک یعنی قابلیت تحمل ۱۰۰ بار فشار و دمای سه هزار درجه سانتیگراد، می‌توان این‌گونه تخمین زد که این موشک بالستیک و نقطه‌زن سپاه نیز توان تحمل حرکت تا سرعت ۱۰ ماخ را در فاز ورود مجدد و شیرجه نهایی روی هدف را دارد که دستیابی ایران به کلاهک‌های هایپرسونیک، در سال‌های گذشته را اثبات می‌کند....

یکی از مصادیق دستیابی کشورمان به دانش طراحی و تولید کلاهک‌های هایپرسونیک، تغییر شکل دماغه موشک‌های ذوالفقار و دزفول است. با مراجعه به منابع معتبر علمی در اینترنت در زمینه دانش موشک‌ها می‌توان دید این شکل زمانی استفاده می‌شود که سرعت موشک، هایپرسونیک (بالای ۵ برابر سرعت صوت) بوده و برای کاهش حرارت تولیدی در این سرعت‌ها، راهکار افزایش انحنای نوک دماغه به کار گرفته می‌شود که سبب انتقال حرارت کمتری به موشک می‌شود.»(به نقل از پایگاه بصیرت)

فتاح، جهان را به لرزه درآورد

رونمایی از ابرموشک فراصوت هایپرسونیک فتاح جهان را به لرزه درآورد. موشکی که ۴۰۰ ثانیه‌ای می‌تواند به اسرائیل برسد و هیچ ابرقدرتی هم توانایی رهگیری و انهدامش را ندارد.

«رونمایی از ابرموشک هایپرسونیک فتاح توسط کشورمان، حامل سه پیام عمده و محوری است. اول اینکه رونمایی از این موشک بار دیگر پاسخی محکم به آن طیف از بازیگران و کنشگرانی در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود که مدام سعی در ضعیف جلوه دادنِ توانمندی‌ها و دستاوردهای نظامی ایران دارند....

دوم اینکه پیشرفت‌های قابل ملاحظه ایران در حوزه صنایع نظامی، در نوع خود الهام‌بخش بسیاری از ملت‌ها در اقصی نقاط جهان است که بعضاً فکر می‌کنند رشد و پیشرفت و کسب قدرت، صرفاً از طریق همراهی و اتحاد با قدرت‌های غربی به دست می‌آید. از این منظر، ایران در مقام یک الگوی برتر برای این دسته از کنشگران ظاهر شده و به آنها نشان می‌دهد که با اعتماد به نفس و باور داشتن به ظرفیت‌های خود، می‌توان به پیشرفت‌های بزرگ رسید و در عین حال زیر یوغ قدرت‌های استکباری و تمامیت‌خواه نیز نرفت....

و سوم اینکه دستیابی ایران به فناوری موشک‌های هایپرسونیک و به طور خاص رونمایی از موشک ایرانی فتاح، این پیام را به کشنگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌رساند که ایران در عین تعهد به دوستی و همکاری با همسایگان و کشورهای مختلف جهان، از تقویت توانمندی‌های نظامی خود نیز غافل نمی‌ماند. توانمندی‌هایی که البته صرفاً ماهیت دفاعی دارند و ایران آنها را به مثابه پشتوانه‌هایی جهت مقابله با زیاده‌خواهی‌ها و رویه‌های نامشروع کنشگرانی نظیر رژیم اشغالگر قدس که منفعت خود را در ناامنی و جنگ می‌بینند، تعریف و ارزیابی می‌کند.

از این رو، رونمایی از موشک هایپرسونیک فتاح به عنوان دستاورد جدید نظامی کشورمان، برای دوستان و کشورهای حامی صلح در منطقه و جهان امیدبخش و برای دشمنان ایران و توطئه‌گران، پیام سرخوردگی و ناامیدی را به همراه دارد.

اقدام ایران در رونمایی از نخستین موشک هایپرسونیکش، پاسخی عملی به تهدیدات چند وقت اخیر سیاستمداران ارشد رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا داد که مدام علیه کشورمان دست به لفاظی می‌زنند و از قریب‌الوقوع بودنِ حمله به کشورمان و سایت‌های حساس اتمی ایران سخن می‌گویند.

از این منظر، ایران با رونمایی از موشک فتاح و البته دیگر پیشرفت‌های نظامی و فناوری خود، این پیام را به طور خاص به صهیونیست‌ها می‌رساند که بهای ماجراجویی آنها علیه ایران، نابودی‌شان خواهد بود.» (به نقل از خبرگزاری فارس)

ولایتمداری کلید طلایی پیشرفت‌ها

اما نکته مهم و بنیادینی که این روزها در تحلیل‌ها و بازتاب‌های بسیار گسترده رونمایی از موشک فوق پیشرفته فتاح از آن غفلت شده است، نقش رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اقتدار بی‌نظیر و شکست‌ناپذیرِ نظامی و موشکی کشورمان است.

این در حالی است که مقام معظم رهبری، پایه‌گذار صنعت موشکی کشور و پشتیبان و تقویت‌کننده و اقتداربخش به آن و اعتلابخش به توانمندی نظامی و صنعت دفاعی کشور هستند به گونه‌ای که صنایع موشکی و دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر از ابهت و اقتداری بی‌نظیر و استثنایی و فوق‌العاده دشمن‌شکن و استکباربرانداز برخوردار است.

سردار حاجی‌زاده، فرمانده سازمان هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۶ در مصاحبه‌ای با پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR تاریخچه صنعت موشکی ایران و نقش مستقیم و اعلای رهبر انقلاب در افزایش توان موشکی ایران را تشریح نموده‌اند که بخش‌هایی از صحبت‌های سردار را نقل می‌نماییم:

«پایه‌گذار صنعت موشکی کشور مقام معظم رهبری است. یعنی در اولین جلسه‌ای که در باغ شیان آن زمان در دوره وزارت سپاه شکل گرفت که ما دو فروند موشک را از مجموعه موجودی هشت فروندی جدا کرده بودیم و داده بودیم به عزیزان متخصص وزارت سپاه که اینها مهندسی معکوس کنند، در همان ماه‌های نخست خود حضرت آقا که آن روز رئیس‌جمهور بودند بازدید کردند و در جلسه شرکت کردند، تدابیرشان را همان‌جا مطرح کردند.

رزمایشی در همان دوره جنگ گذاشته بودیم برای موشکی، خود ایشان حضور یافتند و بازدید کردند و دائماً این موضوع را دنبال کردند....

در مقاطع مختلف نیز باتوجه به نیاز کشور، همین‌طوری کار را می‌بردند جلو. می‌گفتند باید خودکفا بشویم. اتکاءمان باید به داخل باشد....

بعد که تولیدات اولیه اتفاق افتاد، بلافاصله فرمودند که حالا روی کیفیت تولیدات کار کنید. تا پیش از این، ما روی بومی‌سازی کار کرده بودیم، اما محصولات دقت لازم را نداشت.

در اولین جلسه‌ای که ما ۱۶ آذر سال ۸۸ خدمت حضرت آقا رسیدیم، من یادم است که عرض کردم برنامه‌های ما این است و این کارها را می‌خواهیم بکنیم. در برنامه‌ها، من صحبت از دقت عملکرد تولیدات نکرده بودم. آقا فرمودند که اولویت من دقت است. اینهایی که می‌گویید خوب است، ولی بروید و روی دقت متمرکز بشوید.

ما هم گفتیم چشم. رفتیم کار کردیم و اولین کارها که شد، دقت به ۳۰ متر رسید. خیلی خوشحال بودیم که کار بزرگی شده وحرف آقا را پیاده کرده‌ایم. موقعی که به آقا گزارش دادم، ایشان فرمودند کارتان خیلی عالی بود، ولی شما که توانستید این کار را بکنید، پس حتما می‌توانید به کمتر از ۱۰ تا ۱۵ متر خطا هم برسانید. کار خیلی سختی بود اما گفتیم چون دستور آقا است باید اجرا کنیم. استدلال من یک جمله بود: فرمان است، پس باید برویم و آن را اجرا کنیم. خب خدا هم کمک کرد و انجام شد....

اصلاً شما در حوزه موشکی باید فصل به فصل بیایید و از ما گزارش بگیرید و بگویید که کجایید. چون کارشناسان دیگر افتاده‌اند توی اتوبان و با سرعت و شتاب زیاد در حال حرکت‌اند. قبلاً در مسیر غیر هموار حرکت می‌کردیم. رفته‌رفته این راه هموار شده است، الآن دیگر اتوبان است و وسیله خوبی هم داریم و به سرعت داریم می‌رویم.»

سردار حاجی‌زاده در نشست تخصصی مبنا که با موضوع تاثیر تدابیر و سیاست‌های راهبردی رهبر معظم انقلاب در صنعت دفاعی از سوی دفتر نمایندگی حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در مردادماه ۱۴۰۰ در مشهد مقدس برگزار شد، خاطرنشان نمود:

«ایشان از همان ابتدا به اهمیت تحقیق و بومی‌سازی تأکید داشتند و در همان سال‌ها کلنگ ساخت کارخانه موشک‌سازی را زدند و این در حالی بود که در جنگ بودیم و زیرساخت‌های اولیه نبود.... در مقاطع مختلف راهکارهای ایشان راهگشا بود.... در این سه دهه اخیر با تحریم‌های تسلیحاتی بیشتر و تحریم اقتصادی هم روبه‌رو بودیم اما امروز در حوزه تسلیحاتی و سامانه‌های موشکی و پهپادها و رادارها و جنگ الکترونیک در تراز جهانی مطرح هستیم که با راهبری، ریل‌گذاری و تلاش و با محوریت رهبری به این‌جا رسیده‌ایم.

بنابراین در حوزه موشکی ارتباط مستقیم با رهبر انقلاب داشتیم و ایشان در این حوزه صاحب‌نظر بودند و گاهی ایشان مسیری مخالف مسیر ما را انتخاب می‌کردند. ایشان دقت را بر سرعت اولویت می‌دادند. در بعضی مقاطع فرماندهان قدیم هوا فضا بر توسعه نظر داشتند، ولی ایشان فقط می‌خواستند بر موشک متمرکز شویم....

نقش رهبری در حوزه‌های نظامی و دفاعی بسیار زیاد است؛ امروز اگر کشور مقتدری داریم و قدرت منطقه‌ای هستیم که آمریکایی‌ها اذعان دارند ایران برتری نظامی هوایی را بعد از ۷۵ سال از آنها گرفته است و می‌دانند هر نقطه‌ای را که بخواهیم عیناً همان‌جا را می‌زنیم به خاطر راهبری دقیق ایشان است....

اگر نسخه‌ها و تدابیر رهبر معظم انقلاب را در همه حوزه‌ها جدی بگیریم می‌توانیم به عنوان نقشه راهی از آنها استفاده کنیم؛ چراکه ایشان بیش از ۳۰ سال در همه حوزه‌ها تجربه دارند و این تدابیر، سرمایه است و رمز پیشرفت و موفقیت هدف‌گذاری و راهبرد تعیین شده محسوب می‌شود.»

سردار امیرعلی حاجی‌زاده، خردادماه ۱۴۰۲، در آیین رونمایی از موشک هایپرسونیک فتاح با تأکید بر اینکه فعالیت‌های موشکی از ابتدا تاکنون مورد حمایت و تأیید فرمانده معظم کل قوا بوده و هست، گفت: زمانی که گزارش ساخت این موشک را خدمت ایشان ارائه کردیم، معظم‌له نام فتاح را برای این موشک برگزیدند.

آری، مطابق آنچه گفته شد، عامل اساسی و کلید طلایی در پیشرفت و غلبه بر تحریم و توطئه‌های دشمنان، ولایت‌مداری و پیروی از دیدگاه‌های رهبری است. رونمایی از ابرموشک فراصوتِ فتاح بار دیگر این حقیقت مهم و انکارناپذیر را اثبات نمود.

سخن آخر با دشمنان

سخن آخر آنکه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز و بی‌نظیرِ موشکی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران که در پرتو ولایتمداری اعلای نیروهای مؤمن انقلابی محقق گردیده‌اند و هر روز نیز حیرت‌انگیزتر و غرورانگیزتر می‌شوند، جنبه مقاومتی و دفاعی و بازدارندگی دارند و ایران‌هراسی‌های دشمنان و القای تهدید بودنِ جمهوری اسلامی به واسطه دستاوردهای بی‌نظیرِ راهبردیِ و استراتژیک‌اش بی‌مبناست چرا که رهبر انقلاب یک دهه قبل و آن موقع که ما هنوز هایپرسونیک و حتی خیلی پایین‌تر از هایپرسونیک هم نداشتیم، قاطعانه فرموده‌اند:

«رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می‌کنند؛ تهدید به حمله نظامی می‌کنند؛ اما به‌نظرم خودشان هم می‌دانند و اگر نمی‌دانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد.» ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

روایت صدثانیه‌ای

عاشق و معشوق

ابوالقاسم محمدزاده

شب بود. همه دور هم نشسته بودیم و گرم صحبت. جعفر تازه به مرخصی آمده بود که یکی پرسید:

- «راستی جعفر چطوری؟ این چه صبریه که خدا به بچه‌های جبهه داده که همرزماشون جلوی چشمشان جون می‌دن، ولی روحیه اونها خراب نمی‌شه؟!»

جواب زیبای جعفر حیرت‌زده‌مان کرد. وقتی که گفت:

- «زیباترین لحظه عمر ما آن لحظه است که شهیدی را با تبسم در بغل بگیریم و شاهد ملاقات عاشق و معشوق باشیم...»

موضوع: شهید جعفر قاسمی

یک شهید، یک خاطره

یادگار جبهه

مریم عرفانیان

تازه عقد کرده بودیم. روزی که به مرخصی آمد، متوجه شدم لنگان لنگان در خیابان پیش می‌رود. گفتم: «چرا این‌طور قدم برمی‌داری؟»

جواب داد: «یک ترکش، کف پایم مانده.»

گفتم: «باید آن را دربیاوری.»

جواب داد: «طوری نیست یادگار جبهه است، اما... اما...» و دیگر چیزی نگفت.

پرسیدم: «اما؟ اما چی؟»

خندید: «زمانش که برسد همه ترکش‌ها رو یکباره با هم درمی‌آورم.»

***

بعدها متوجه شدم که تمام بدنش پر از ترکش بود؛ اما بعد از شهادتش فهمیدم که زمان درآوردن چه وقت بوده است!

خاطره‌ای از شهید علی جهان‌بین
راوی: زهرا امینی، همسر شهید

بادهای سرکش هندوکُش
روایتی از فرمانده فاطمیون

«بادهای سرکش هندوکُش» روایتگر زندگی علیرضا توسلی (ابوحامد)، اولین فرمانده لشکر فاطمیون در سوریه است. این کتاب که اولین کتاب از مجموعه فرماندهان مقاومت انتشارات خط مقدم است، در ۴۸ فصل زندگی شهید توسلی را از ابتدای تولد در روستایی از افغانستان تا شهادت او در تپه‌های سوریه و به دست گروه‌های تکفیری را به تصویر کشیده است. نویسنده برای روایت زندگی شهید ابوحامد به شهرهای متعدد و البته کشور سوریه سفر کرده و افراد مختلفی را دیده و با ساعت‌ها مصاحبه، ابوحامد را به عنوان یک وطن‌دوست واقعی می‌شناساند.

در این کتاب، مخاطب با مردی روبه‌رو می‌شود که در جنگ‌های مختلفی از خاورمیانه شرکت داشته و طعم شکست و پیروزی را توأمان چشیده است. ابوحامدی که در برهه‌ای از دوران نوجوانی برای تحصیل به ایران آمده، اما با حمله طالبان به موطن اصلی‌اَش بازگشته، در کنار احمدشاه مسعود و به عنوان نیروی سپاه محمد(رسول‌الله) جنگیده، پیروز شده، شکست خورده و با دلی غمگین دوباره به ایران بازگشته است. اما شاید آنچه بیش از پیش برای مخاطب جلب توجه کند چگونگی حضور او در سوریه و تشکیل گروه فاطمیون است، گروهی که با قدرت و صلابت خود توانست پیروزی‌های چشمگیری را در جنگ با داعش به دست آورده و به یکی از بازوهایِ دفاعیِ مقتدرِ مدافعان حرم تبدیل شود.

نویسنده در این کتاب اما تنها به روحیه جنگی ابوحامد بسنده نکرده و با مصاحبه با همسر او و خواندن و آوردن بخش‌هایی از دفترچه خاطرات که در تمام آن سال‌ها می‌نوشته، جنبه دیگری از ابوحامد را برایمان رو می‌کند. از برخوردهایش در خانه و شهر می‌گوید و شخصی را نشان می‌دهد که توکل و امید جزئی جداناشدنی از او بوده است.

جواد افهمی نویسنده اثر در نشست معرفی این کتاب در نمایشگاه کتاب تهران، درباره چگونگی نگارش کتاب و تحقیق درباره شخصیت ابوحامد گفت: قبل از آنکه نوشتن این کتاب به من پیشنهاد شود یک ذهنیت مختصر نسبت به ابوحامد داشتم اما برای نوشتن آن تحقیق مفصل انجام دادم و اطلاعات بسیار جمع‌آوری شد که برای به دست آوردن آنها سه ماه به سوریه سفر کردم.

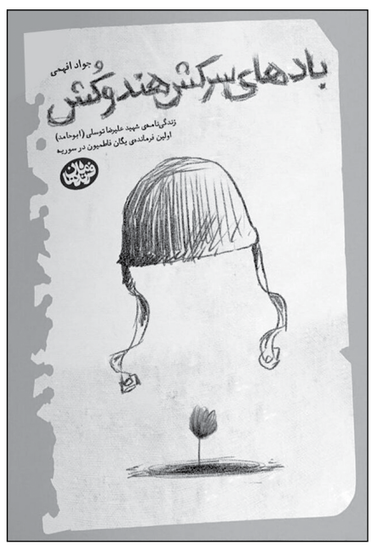

وی ادامه داد: در مجموع دو سال برای نگارش این کتاب وقت گذاشتم و آنچه را نهایی شد دو بار تعدیل کردیم که در نتیجه بخش زیادی از صفحات کتاب حذف شد تا کتاب برای مخاطب خسته‌کننده نباشد. اما این کتاب هم مثل هر کتاب دیگری بخشی از وجود من را به عنوان نویسنده در خود جای داده و تکه‌ای از وجودم در این کتاب جا مانده! شاید این همان چیزی است که به کتاب روح می‌بخشد تا وقتی مخاطب آن را می‌خواند فکر نکند که وقتش تلف شده است.

مقاومت در فضای مجازی

به یاد شهید حاج سید اسدالله لاجوردی

خاطراتی کوچک از شهیدی بزرگ

حمید داودآبادی، جانباز و نویسنده دفاع مقدس در فضای مجازی نوشت:

از همان سال ۶۰ که با نام حاج «سید اسدالله لاجوردی» و قاطعیت و شجاعتش در برابر عملیات وحشیانه تروریست‌های منافق آشنا شدم، دوست داشتم او را از نزدیک ببینم. همه از او می‌گفتند که چگونه سد راه جنایتکاران شده و برای منافقین نیز کابوسی شده که خواب راحت از چشم آنان گرفته بود.

دست بر قضای روزگار، سال ۶۹ در قوه قضائیه استخدام و در «هیئت مرکزی گزینش» مشغول به کار شدم. بعد از مدتی به گزینش دادستانی مستقر در ساختمانی مقابل زندان اوین منتقل شدم. طی زمان کوتاهی که در آن‌جا مشغول بودم، گاهی برای انجام امور اداری به ساختمان اداری وسط زندان اوین رفت و آمد می‌کردم. در همان‌جا بود که چندین نوبت با چهره مومن و باصفای حاج اسدالله روبه رو شدم.

بچه‌ها راست می‌گفتند که:

«هیچ‌کس نمی‌تونه در سلام کردن، بر حاج اسدالله پیشی بگیره...»

با بچه‌ها سر این موضوع قرار گذاشتیم و گفتم که من می‌توانم.

من که او را می‌شناختم، ولی او اصلا مرا نمی‌شناخت و حتی نمی‌دانست در آن ساختمان چه کار دارم. یک ساعتی به اذان ظهر مانده بود که برای وضو گرفتن رفتم طرف دستشویی. ناگهان حاج اسدالله که صورتش از وضو خیس بود، وارد راهرو شد. تا آمدم به خودم بجنبم و سلام کنم، با لبخندی بسیار زیبا، نگاهی‌انداخت و گفت:

- سلام عزیزم، چطوری... خوبید شما؟

فقط این بار نبود. دفعات بعد هم همین طور شد.

بچه‌ها راست می‌گفتند. اصلا نمی‌شد در سلام کردن بر حاج اسدالله پیشی گرفت.

تازه، فقط سلام نبود. هر کس که بودی، کارمند، پاسدار، خانواده زندانی، و حتی خود زندانی، همین که مقابل دیدگان حاج اسدالله قرار می‌گرفتی، اولین کسی که سلام و احوال‌پرسی می‌کرد او بود.

گفتم زندانی، یکی از نکات جالب حاج اسدالله این بود که با زندانی‌ها که بیشتر هم منافقین و چپی بودند، آن قدر راحت بود که گاهی با آنها والیبال یا فوتبال بازی می‌کرد. گاهی نیز به سلول آنها می‌رفت و غذایش را در جمع آنان می‌خورد. و البته این کار با مخالفت شدید بچه‌های حفاظت روبه‌رو می‌شد، ولی لاجوردی وقتی به کسی اطمینان می‌کرد، دیگر کسی نمی‌توانست به او بگوید این قدر راحت به میان زندانیان نرو، هر چه باشد تو رئیس‌کل زندانها یا دادستان و... هستی!

در اتاق خودش هم که بود، همان غذایی را می‌خورد که برای زندانیان می‌بردند.

***

چند وقتی می‌شد که حاج اسدالله سیستم جدیدی برای امور اداری زندان اوین راه‌اندازی کرده بود.

دیوارهای طبقه دوم ساختمان را برداشتند و سالن بزرگی ایجاد کردند. چندین میز اداری چیدند و همه مسئولین سازمان زندان‌ها در پشت آن میزها مستقر شدند.

هر کس از پله‌ها بالا می‌آمد، درست مقابل رویش میزی می‌دید که سه نفر پشت آن نشسته بودند.

غالبا در اولین برخورد فکر می‌کردی مثل همه اداره‌ها میز اطلاعات و راهنمای مراجعین است. چه بسا همین طور هم بود.

جلو که می‌رفتی، مردی مسن با لبخندی بسیار زیبا سلام و احوال‌پرسی می‌کرد و با همین لحن می‌پرسید:

- چیه عزیزم با کدوم قسمت کار داری؟

نامه‌ات را می‌گرفت، زیر آن چیزی نوشته و امضا می‌کرد، بلند می‌شد و از همان‌جا مسئول مورد نظر را صدا می‌زد و می‌گفت که کارت را راه بیندازد.

و اگر شکایتی داشتی، نامه‌ات را می‌گرفت، خودش بلند می‌شد همراهت می‌آمد تا میز مربوط و دستور می‌داد که مشکلت را رفع کنن.

و چه بسا اکثر مراجعه‌کنندگان که خانواده زندانیان بودند، متوجه نمی‌شدند آنکه این‌گونه دنبال کارشان است، کسی نیست جز حاج اسدالله لاجوردی رئیس‌کل سازمان زندان‌های کشور!

و چه زیبا بود وقتی دو سه بار به او مراجعه کردم و خودش بلند شد آمد دنبال کارم تا به نتیجه رساند و آخرسر خندید و گفت:

- راضی شدی عزیزم؟

***

غالب جمعه‌ها که برای نماز جمعه به دانشگاه تهران می‌رفتیم، حاج اسدالله را می‌دیدیم که همراه با پنج شش نفر از بستگانش، داخل پیکان مدل پایین چپیده‌اند و به نماز می‌آیند.حاج «محسن رفیق دوست» دوست و همرزم قبل و بعد از انقلاب حاج اسدالله، خاطره زیبایی از او نقل می‌کرد. می‌گفت:

- حاج اسدالله از قبل در بازار یک حجره کشبافی داشت. بعد که از سازمان زندانها رفت کنار، برگشت همان‌جا و به کارش ادامه داد. با وجودی که توان خرید حداقل یک ماشین پیکان را داشت، ولی همواره با یک دوچرخه ۲۸ قدیمی، وسایل را در ترک آن می‌بست و از خانه‌شان می‌رفت طرف بازار. هر چه به او گفتم: آخه حاجی، منافقین و دشمنان این همه به خون تو تشنه‌اند و منتظرند تا فرصتی پیدا کنند و عقده‌شان را سر تو خالی کنند. حداقل یه ماشین بخر. با دوچرخه، هم اذیت میشی هم خطرناکه. می‌خندید و می‌گفت:

- حاج محسن، منو راحت بذارید. همین دوچرخه هم از سرم زیاده. منم‌که آماده شهادتم مگه چیه.

حاج اسدالله لاجوردی، سرانجام اول شهریور ۱۳۷۷ درمحل کسب خود در بازار تهران و در حالی که هیچ سمت رسمی در نظام نداشت، در اوج مظلومیت و سادگی، توسط دو نفر از تروریست‌های منافق مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

روحش شاد.